



قرارداد بردگی اعراب با ایرانیان

میرزا آقا عسگری. مانی

تاریخ به زبان ساده!

ده فرمان اعراب علیه ایرانیان

وقتی «فتح الفتوح» اعراب بر ضد ایران در «جنگ جلولا»* روی داد و کمر سپاهیان ایران، کیان ایران و سربلندی ایرانی در برابر سرداران سپاه عرب درهم شکست، ایرانیان برآستی زیر شمشیر، شلاق، آیات و فرامین اعراب مسلمان قرار گرفتند. چند میلیون ایرانی در دو قرن نخست پیروزی مسلمانان برای ایران کشته شدند. صدها هزار نفر به هندوستان و شرق اروپای امروزی گریختند. مسلمانان، مردم ایران را «بنده»، «موالی»، «برده»، «کنیز»، «عجم = لال»، «مجوس = جادوگر و حقه‌باز» نامیدند و دماغ ایرانیان را به خاک مالیدند.

مسلمان‌های عرب قراردادی نانوشته را به ایرانی‌ها تحمیل کردند که تا به اکنون نیز اجرا می‌شوند:

- ۱ - چون مردم ایران از دین و سپاه عربستان شکست خورده بودند (و هنوز هم این شکست جبران نشده) باید روزی ۲۰ بار به سوی عربستان (پایتخت اسلام که محمد از آنجا برخاسته بود) زانو بر زمین بزنند و سنگی سیاه در «ام‌القرای اسلام» را سجده کنند
- ۲ - در این سجده؛ ایرانیان (مانند ملت‌های شکست‌خورده‌ی دیگر) باید ۲۰ بار پیشانی خود را هم به خاک عربستان (مهر نماز) فرود بیاورند و تعظیم‌کنان اظهار عجز، عبودیت و بیعت کنند!



۳- ایرانیانی که ستاینده‌ی اهورامزدا بودند و خود؛ پیشوائی با نام زرتشت داشتند، پس از شکست از مسلمانان باید ۱۲ بار در ۲ نوبت شبانه روزی با صدای بلند اعتراف کنند: «الله اکبر! اشهدان محمد رسول الله. اشهد ان علی ولی الله...» تا یادشان نرود که مزدا بی مزدا! زرتشت بی زرتشت! ایران بی ایران! محمد عرب و علی عرب ارباب ایرانیان شده‌اند!

۴- در عراق جنگی اتفاق افتاد بین دارو دسته‌های معاویه و حسین که هیچ ربطی به مردم شکست خورده‌ی ایران نداشت (مانند جنگ فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها). جنگی بود بر سر قدرت و خلافت و ثروت بین خود عربها که پیروان دین محمد بوده‌اند. اما ایرانیان ۱۴ قرن است باید مراسم عزاداری برای «سالار شهیدان؛ حسین ابن علی» برگزار کنند؛ و در سوگ آن آدم‌های ندیده و نشناخته که دشمنان مردم ایران بودند بر سر و سینه‌ی خود بکوبند، گل و خاک و گاه بر سر بریزند، نذری بدهند، قربانی بکنند، گریه و زاری بکنند، قمه و زنجیر بزنند تا یادشان نرود که برده؛ موالی و مسلمان شده‌اند. **آنان باید بر سر خود بکوبند تا یادشان نرود برده‌ی اعراب شده‌اند.** (آفرین بر این ایرانیان که گویا فرزندان کوروش و آرش و رستم بوده‌اند!)

۵- ایرانیان مجبور بودند (و هنوز هم هستند) که کتاب دینی عربها (قرآن) را ببوسند و برچشم بگذارند! آنهم پس از این که «طهارت» گرفته باشند **تا نجاست ایرانی بودنشان برطرف شده باشد!**

ایرانیان مجبورند قرآن را «مقدس» بدانند و آیات آن را شب و روز در خانه و مسجد، بهنگام تولد فرزندان و بر سر گور مردگان خود با صدای بلند برای یکدیگر بخوانند تا یادشان بماند از دست عربهای مسلمان شکست خورده‌اند و موالی و بنده‌ی آنها هستند. (درود بر این ایرانیان که پدرانی همچون فردوسی و کاوه و بابک داشته‌اند!)
۶- ایرانیان شکست خورده باید به نمایندگان دینی عربها باج‌های گوناگونی بدهند مانند: جزیه، خمس، زکات، سهم امام، اوقاف، نذری؛ قربانی و...



۷- از «وظایف شرعی» ایرانیان یکی هم این بود و هست که باید به زیارت، پایبوسی و آستان‌بوسی و خاک‌لیسی عرب‌های پیروز بروند. به زیارت قم، مشهد، کربلا، نجف، سوریه و مکه. باید بروند حتا معجر قبرهای پیروزمندان بر ایران را ببوسند و از آنها طلب «مغفرت» کنند!

۸- برای این که نکند یک وقتی ایرانیان بفکر رها کردن خود از چنگال عرب‌زاده‌های مسلمان شوند، باید برای درمان دردهای بیشمار خود که بر اثر تسلط اسلام و عرب بر ایران بوجود آمده، چشم براه نسل دوازدهم خاندان امت و نبوت عربی یعنی «امام زمان» بمانند! سرانجام شاید آن طفل ۴ ساله عرب (که لابد دست چپ و راستش را هم نمی‌شناسد) پس از ۱۴۰۰ سال و درست در قرن ۲۲ که سده‌ی علم و دانش است از چاهی در بصره ظهور کند و به داد ایرانیانی برسد که از دست اجداد خونریز او به نکبت ابدی دچار شده‌اند! حتا شاه و شاهزاده‌ی ایرانی هم: یا کمر بسته‌ی «امام رضا و صاحب‌الزمان» هستند یا نام آنها و اجدادش را بر خود نهاده‌اند! حتا پهلوان وزنه‌برداری یا فوتبال ایران هم در صحنه‌ی جهانی اعتراف می‌کند که با یاری آن بچه‌ی ۴ ساله توانسته نفر اول جهان شود!

۹- ایرانیان شکست خورده باید احترام ویژه‌ای به نوه نتیجه‌های عربهای چیره شده بر ایران بگذارند که نام سید (آقا) بر خود نهاده‌اند. باید به نام «نذری و خیرات» به «سیدها = سرورها) باج بدهند و در برابرشان تا کمر خم شوند و به «سادات» ابراز بندگی و ارادت نمایند تا یادشان نرود که اگر آن امام‌ها و سرداران ایران کوبِ عرب مرده‌اند؛ نوادگان‌شان در «ایرن اسلامی» حی و حاضرند و حتا یکی از آنها با نام **سید روح‌الله خمینی** رهبر انقلاب‌شان علیه شاه بوده است، و یکی دیگر با نام **سیدعلی خامنه‌ای** رهبر فعلی‌شان است!

اکنون ما به جای «سپاه ایران»، «سپاه قدس»، «سپاه محمد» و «سپاه خاتم‌الانبیاء» داریم! گرچه گویا عرب‌ها از سر ما دست برداشته‌اند اما نمایندگان ایدئولوژیک آنها (سپاه پاسداران، بسیج، سربازان گمنام امام زمان، روحانیون، سادات، طلبه‌ها، آیت‌الله‌ها و...)



دارند اقدامات سعدابن ابی وقاص را در ایران علیه ایرانیان ادامه می دهند!
(یعنی: ما خود به دشمن خود تبدیل شده ایم و دیگر نیازی به سعدابن ابی وقاص، عمرابن خطاب، علی ابن ابی طالب؛ محمدابن عبدالله و یزیدابن مهلب نداریم!)

۱۰ - ایرانیان باید در نماز جماعت، پشت سر یکی از نمایندگان اسلام عربی که نامشان «روحانی» یا «آخوند» است قرار بگیرند و مانند میمون از هر کاری که او می کند و هر چه که او می گوید تقلید کنند. ایرانیان باید مقلدِ «مراجع تقلید» باشند! (یعنی، هم باید ماچ بدهند و هم پول و هم کول!) تا یادشان نرود که در سال ۱۴۲۸ هجری (هجرت محمد از مکه به مدینه که هیچ ربطی به ما ندارد اما شده مبداء تاریخ ما!) سردار عرب: سعدابن ابی وقاص در جنگ جلولاء، به دستور عمر خلیفه ی مسلمین و با پشتیبانی علی ابن ابی طالب؛ فتح الفتوح عربی علیه ایرانیان کرد و ایران بزانو درآمد از ۱۴ سده ی گذشته تا به اکنون نتوانسته قامت و زانویش را راست کند!

یک پرسش از هم میهنانم:

چرا آخوندهائی که بر منبر این همه برای ماجرای «صحرای کربلا» جلز و ولز می کنند، هرگز علیه سعدابن ابی وقاص یک کلمه هم سخن نگفته و نمی گویند؟! چرا نام کاخ آخرین پادشاه ایران «سعدآباد» بود؟! چرا روحانیان، مراجع تقلید و آخوندهای ایران از شکست رستم فرخزاد به دست سعدابن ابی وقاص ابراز تاسف نمی کنند؟! چرا بسیاری از ایرانیان مقلد این جماعت ضدایرانی اند؟!